

قحطی مدرن - یا گرسنگی عصر گلوبالیزم

نوشته فیاض نجیمی بهرمان

این قلم در مضمون «تبعات سیاسی و فرهنگی نابودی تندیس های بودا» توضیح داد، که چگونه کشور های بزرگ صنعتی و به ویژه اداره ایالات متحده امریکا با تیم نوکانسرواتیف های آن کوشیدند، برای پیشگیری از خیزش های اجتماعی، «افکار عمومی» جهانی را به سوی مبارزه علیه ترویریزم توجیه و سمتدهی نمایند. سپس جلسات سران کشور های گروه 7 در سال 2001، طرح هایی را به منظور پیشگیری از انفجارات اجتماعی در درون کشورهای «جهان سوم» یا «جنوب» روی دست گرفتند.

اما بعد از گذشت زمان و در نتیجه رشد ناموزون اقتصاد جهانی و لیبرالیزاسیون بازار های جهانی از طریق «سازمان تجارت جهانی» (WTO) و گسترش فرآیند جهانی شدن اقتصاد، تمایل شدید مولدین کشاورزی کشور های «جهان سوم» زیر تاثیر روش های اغواگرانه کانسنر های بزرگ انرژیتیکی، به سوی فرآورده های جلب گردیدند که در وهله اول از منفعت های بزرگ کاذب برخوردار بوده، ولی در اصل هم بحران را برای مسایل اجتماعی و هم محیط زیستی بوده است. چنین است که امروز ما شاهد آن هستیم.

اکنون با آهستگی، وحشت در برابر افزایش بهای تولیدات زراعتی بر همه دامن می گسترده. همه روزه قیمت آرد، برنج، گوشت، روغن و شیر و در مجموع مواد غذایی افزایش می یابد.

صدها میلیون انسان در سراسر جهان از خوردن غذای کافی محروم شده اند. مبارزه برای بدست آوردن یک لقمه نان و یا یک مشت برنج در سراسر جهان از آسیا تا افریقا و امریکای لاتین جریان دارد.

بحران قحطی و گرسنگی مدرن با آنچه در گذشته از اثر خشکسالی، سیلاب و دیگر آفات طبیعی از جمله حمله حشرات صورت می گرفت، متفاوت است. بحران قحطی قرن 21، پیامد گلوبالیزم به شمار می رود. کشور های غنی شمال، رفع بحران انرژیتیکی شان را در کشت و افر جوار و نیشکر در کشور های فقیر دیده و تقاضا برای محصولات آنرا افزایش دادند. در نتیجه برای فقرای کشور های فقیر چیزی برای خوردن باقی نماند.

در نتیجه، بهای مواد اولیه غذایی به شکل انفجاری افزایش کسب نمود، که صرف در دو ماه اخیر، رقم مضاعف و بیشتر قیمت ها و قوس صعودی را نشان میدهد. بهای جوار و برنج هیچگاه در سطح کنونی بلند نرفته است. برنج تقریباً برای نیم از انسانهای کره خاکی ما، غذای اولیه و همه روزه را تشکیل میدهد. مصرف کنندگان برنج که عمدتاً در کشور های فقیر زندگی میکنند، می باید 80 درصد درآمد شانرا مصرف خرید مواد غذایی نمایند. انفجار قیمت ها از جمله گندم ضربه بزرگ به سیستم غذایی آنها وارد خواهد کرد که عواقب آن غیر قابل پیشبینی است. بانک جهانی 33 کشور را لست نموده است، که از اثر افزایش قیمت مواد غذایی در مرز شورش و انفجار اجتماعی قرار دارند - درین میان دولت چین نیز در زمره اعضای لست شمارش شده است. و سازمان ملل متحد هوشدار میدهد که هرگاه جلو گسترش قحطی گرفته نشود، این موضوع میتواند ثبات سیاسی دولت ها در سراسر جهان را متزلزل سازد. به هر اندازه که قیمت مواد غذایی افزایش یابد، به همان اندازه تعداد انسانهاییکه توانایی خرید آنرا ندارند، افزایش می یابد.

در بنگله دیش نظامیان، خیلی سخیفانه اعلان کردند که مردم به جای برنج میتوانند کچالو بخورند و در فلپین، اردو برای پیشگیری از شورش، به توزیع مواد غذایی آغاز نموده است. حتا کشور غنی مثل سنگاپور در نگرانی قرار دارد.

«سازمان جهانی غذا» (FAO) توصیه میکند که مصرف کنندگان باید روش صرفه جویی را در پیش گیرند. این مسأله شاید برای اروپا قابل امکان باشد، اما برای میلیارد ها انسانیکه غذای بخور و نه میر دارند، آیا امکان صرفه اضافی دارند؟ - بدون شک نی.

در حال حاضر گفته می شود که ذخائر مواد غذایی در جهان در پایین ترین سطح آن در 30 سال گذشته قرار گرفته است. احتکارگران از افزایش بدون پایان قیمت ها سود های بزرگی به جیب می زنند. همچنان که دهاقین می توانند از آن نفع ببرند. اما نفوس بزرگ جهان به حیث مصرف کنندگان فرآورده های زراعتی که عمدتاً در شهر ها زندگی میکنند، از این حالت به شدت صدمه می بینند.

در سالهای اخیر ما شاهد کاهش بهای مواد غذایی در سراسر جهان خواهیم بود. کارشناسان به اشتباه امیدواری میدادند که مشکل غذایی و فقر به زودی در سراسر جهان زوده خواهد شد و انسانها از خطر گرسنگی نجات خواهند یافت. اما بعداً بحران انرژی ظهور کرد و بهای نفت به طور روز افزون بلند رفت. افزایش مواد انرژی بیتیکی باعث بلند رفتن قیمت مواد خوراکی گردید؛ زیرا هزینه کودکیمیایی و ترانسپورت مواد غذایی فزونی یافت. اضافه بر آن کشور های چین و هند نیز به جلگه دول بزرگ پیوستند و تقاضای آنها به مواد انرژی بیتیکی و غذایی گسترش یافت. و بالاخره جنگ عراق به عوض کاهش بهای نفت، سبب افزایش آن گردید. در نتیجه، این همه فکتور ها سبب بلند رفتن قیمت مواد غذایی گردید و از سوی دیگر تقاضا برای کشت جواری، نیشکر، زویا و شرشم و دیگر نباتات، که از آن ایتانول و یا بیودیزل تولید می شود، سبب کاهش مواد غذایی و افزایش قیم گردید.

جهان در آستانه دو فاجعه : اجتماعی و زیست محیطی قرار دارد. هر دو فاجعه پیامد سرمایه لجام گسیخته در سطح جهان است. این سرمایه که در عصر گلوبالیزم امکانات گسترده پیدا کرده، صرف به سود های بادآور می اندیشد. اما انفجار اجتماعی در جنوب به هیچ وجه زندگی مرفه شمال را راحت نخواهد گذاشت. زمین لرزه های اجتماعی دامن شمال و سرمایه بزرگ را نیز خواهد گرفت.